



Studies on Understanding Hadith

P-ISSN: 2588-3895

E-ISSN: 2588-4417



DOI: 10.30479/mfh.2025.19774.2427

Dating the Hadith of Prophet Musa's (PBUH) Dispute with the Angel of Death in Sunni Sources

Nancy Saki¹

Zohreh Babaahmadi Milani²

Mina Shamkhi³

Sima Albooghobysh⁴

Abstract

After the Holy Quran, the most important source for understanding Islamic law and acquiring teachings in areas such as beliefs, jurisprudential rulings, ethics, and practices is the collection of narrations and hadiths attributed to the Prophet Muhammad (PBUH) and the Imams (PBUH). However, in Sunni hadith sources, there are narrations that conflict with the criteria for accepting hadiths – such as compatibility with reason, the Quran, and established Sunnah. One of the controversial examples is the narration of the “dispute between Prophet Musa (PBUH) and the Angel of Death,” which is reported in various Sunni sources with different chains of narration and texts. The contradictions within the content of this narration – including the illogical portrayal of the interaction between the Angel of Death and the Prophet of God, its incompatibility with teachings such as the infallibility of the Prophets, the moral conduct of the Prophet, and adherence to divine commandments – highlight the need for historical and chain-based scrutiny of this hadith. This study, using the method of dating the chain of narration and text, investigates the origins and developmental history of this narration. By performing a comparative analysis of similar texts, categorizing different versions, constructing a network of narrators' chains, and identifying primary and secondary common links, the results show that the fabrication of this hadith dates back to the second half of the first century AH, coinciding with the lifetime of Abu Huraira. Furthermore, from a content critique perspective, the narration contradicts Islamic theological principles (such as the infallibility of the Prophets), ethical principles, and religious logic, and even lacks support within the context of the teachings of the Abrahamic scriptures. Therefore, given the inconsistencies in its chain and content, the attribution of this narration to the Prophet Muhammad (PBUH) is scientifically and religiously invalid.

Keywords

Hadith Criticism, Dating of Hadith, Fabrication of Hadith, Infallibility of Prophets, Angel of Death, Abu Huraira.

Article Type: Research

1. Responsible Author, Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. Email: n.saki@scu.ac.ir
2. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. Email: z.babaahmady@scu.ac.ir
3. Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. Email: m.shamkhi@scu.ac.ir
4. PhD Student in Quran and Hadith Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. Email: s.albooghobysh2016@gmail.com

Received on: 19/04/2024 Accepted on: 18/02/2025

Copyright © 2025, Saki, Babaahmadi Milani, Shamkhi & Albooghobysh



Publisher: Imam Khomeini International University.



تلفن: ۰۲۱-۲۵۸۸-۲۸۹۵
شماره: ۰۲۱-۲۵۸۸-۴۴۱۷

مطالعات فہم حدیث



DOI: 10.30479/mfh.2025.19774.2427

تاریخ گذاری حدیث درگیری حضرت موسی (ع) با فرشته مرگ در منابع اهل سنت

- نانسی ساکی^{۱*}
زهره بابا احمدی میلانی^۲
مینا شمنی^۳
سیما ابوغبیش^۴

چکیده

پس از قرآن کریم، مهمترین منبع شناخت شریعت و دستیابی به آموزه‌های اسلامی در حوزه‌هایی مانند عقاید، احکام فقهی، اخلاق و سیره، روایات و احادیث منسوب به پیامبر (ص) و ائمه (ع) است. با این حال، در منابع حدیثی اهل سنت، شماری از روایات وجود دارند که با معیارهای پذیرش حدیث - از جمله سازگاری با عقل، قرآن و سنت قطعی - در تعارضند. یکی از مصادیق بحث برانگیز، روایت «درگیری حضرت موسی (ع) با فرشته مرگ» است که در منابع متعدد اهل سنت با اسناد و متون گوناگون نقل شده است. تناقضات موجود در محتوای این روایت - از جمله تصویرپردازی غیرمنطقی از تعامل فرشته مرگ با پیامبر الهی، ناسازگاری با آموزه‌هایی مانند عصمت انبیا، اخلاق پیامبرانه و التزام به اطاعت از فرامین الهی - لزوم واکاوی تاریخی و سندشناختی این حدیث را آشکار می‌سازد. این پژوهش با روش تاریخ گذاری سند و متن، خاستگاه شکل گیری و سیر تطور روایت مذکور را بررسی می‌کند. با تحلیل تطبیقی متون مشابه، دسته بندی نسخه‌های مختلف، ترسیم شبکه اسنادی و شناسایی حلقه‌های مشترک اصلی و فرعی در زنجیره راویان، نتایج نشان می‌دهد که زمان جعل این حدیث به نیمه دوم قرن اول هجری و هم‌زمان با دوره حیات ابوهیره باز می‌گردد. افزون بر این، از منظر نقد محتوایی، روایت یادشده با مبانی کلامی اسلام (مانند عصمت انبیا)، اصول اخلاقی و منطق دینی در تضاد است و حتی در چارچوب آموزه‌های عهدین نیز فاقد پشتوانه است. بنابراین، با توجه به ناسازگاری‌های سندی و متنی، انتساب این روایت به پیامبر اکرم (ص) فاقد اعتبار علمی و دینی است.

کلیدواژه‌ها

نقد حدیث، تاریخ گذاری سند و متن، جعل حدیث، عصمت انبیا، ملک الموت، ابوهیره.

نوع مقاله: پژوهشی

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول). n.saki@scu.ac.ir
۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. z.babaahmady@scu.ac.ir
۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. m.shamkhi@scu.ac.ir
۴. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. salbooghobysh2016@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۳۰



ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

۱. طرح مسأله

احادیث اسلامی به عنوان دومین منبع استنباط احکام و معارف دینی، جایگاهی محوری در منظومه فکری مسلمانان دارد. با این حال، شیوه مواجهه با احادیث همواره محل اختلاف مکاتب فکری بوده است. در میان اهل سنت، دو جریان اصلی قابل شناسایی است: جریانی که با تکیه بر رویکرد نص‌گرایانه، ظواهر روایات را بدون تأویل می‌پذیرد و جریانی که با تأکید بر نقد سندی و محتوایی، احادیث را در ترازوی عقل، قرآن و سنت قطعی می‌سنجد. این اختلاف نظر به ویژه در مواجهه با احادیثی که مضامین غیر عادی یا متعارض با اصول دینی دارند، ابعاد پیچیده‌تری می‌یابد. نمونه بارز چنین احادیثی، روایت مجادله حضرت موسی (ع) با فرشته مرگ (ملک الموت) است که در منابع اهل سنت با تفاسیر مختلف نقل شده است.

مضمون این حدیث -بر اساس روایات موجود- حاکی از آن است که ملک الموت برای قبض روح حضرت موسی (ع) حاضر می‌شود، اما حضرت موسی (ع) با زدن ضربه‌ای به او، سبب کوری فرشته می‌گردد. پس از شکایت فرشته به خداوند، بینایی به او بازگردانده می‌شود و سرانجام حضرت موسی (ع) تسلیم امر الهی می‌گردد. این روایت با پرسش‌های جدی کلامی، اخلاقی و عقلی مواجه است:

۱- امکان سنجی فیزیکی: آیا فرشته‌ای که موجودی مجرد است، می‌تواند در قالب جسم مادی آسیب ببیند؟

۲- تناقض با عصمت انبیا: چگونه رفتار خشن و مقاومت در برابر فرمان الهی با مقام نبوت و عصمت پیامبران سازگار است؟

۳- ناسازگاری معرفتی: آیا موسی (ع) به عنوان پیامبر اولوالعزم، فرشته مرگ را نمی‌شناخته است؟

۴- منطق دینی: چرا پیامبری الهی باید در برابر اجرای فرمان خداوند مقاومت کند؟ این شبهات، ضرورت بررسی تاریخ‌گذاری حدیث را به عنوان یکی از روش‌های کلیدی در مطالعات حدیثی پررنگ می‌سازد. تاریخ‌گذاری احادیث، با هدف تعیین خاستگاه تاریخی، شناسایی سیر تطور متن و کشف زمینه‌های سیاسی-فکری شکل‌گیری روایات، ابزاری کارآمد برای تمایز احادیث اصیل از جعلی است (معارف، ۱۳۹۴ش، ۱۰۴). اگرچه خاورشناسانی چون هارالد موتسکی^۱ (موتسکی، ۱۳۸۴ش، ۴۰-۳۳).

۱. برای نمونه: این‌جا موتسکی برای تاریخ‌گذاری با روش تحلیل ترکیبی اسناد- متن پنج مرحله قائل شده است: ۱- گردآوری نسخه‌های مختلف حدیث از جوامع حدیثی موجود؛ ۲- ترسیم شبکه اسناد به منظور تعیین حلقه‌های مشترک اصلی و فرعی؛ ۳- تحلیل اختلافات متنی نسخه‌های حدیث متناسب با

و برخی محققان مسلمان از این روش بهره برده‌اند، اما نقد این حدیث در منابع سنتی همچون آثار بستانی^۱ (۱۳۸۷ ش، ۴۲) و (نجمی، ۱۳۹۷ ش، ۴۳) - غالباً محدود به ارزیابی سندی گذرا و فاقد تحلیل تاریخی نظام‌مند بوده است.

پژوهش حاضر با اتکا به روش تاریخ‌گذاری ترکیبی (سند و متن)، درصدد پرکردن این خلأ پژوهشی است. این روش با تحلیل شبکه اسناد، شناسایی حلقه‌های مشترک راویان، مقایسه نسخه‌های متنی و بررسی زمینه‌های تاریخی، امکان تعیین تقریبی زمان جعل حدیث و بازسازی سیر تحول آن را فراهم می‌کند. پرسش اصلی این است: خاستگاه تاریخی روایت درگیری موسی (ع) با ملک الموت چیست و این حدیث چگونه و تحت تأثیر چه عواملی شکل گرفته است؟

تفاوت پژوهش حاضر با پیشینه تحقیق در دو محور است:

۱- روش‌شناختی: استفاده از الگوی ترکیبی تاریخ‌گذاری سند و متن، برخلاف نقدهای سنتی که عمدتاً بر ارزیابی سندی متمرکز بودند.

۲- تحلیل تاریخی: توجه به بسترهای اجتماعی-کلامی نیمه دوم قرن اول هجری، به ویژه نقش راویانی مانند ابوهریره در انتقال یا جعل احادیث.

این نوشتار با واکاوی انتقادی این روایت، گامی در جهت تعیین اعتبار حدیثی روایات بحث‌برانگیز و تبیین تعامل عقلانی با میراث حدیثی است.

۲. سیر انتقال حدیث در منابع اهل سنت

حدیث مجادله حضرت موسی (ع) با فرشته مرگ، در گستره وسیعی از منابع روایی اهل سنت از قرن دوم تا پنجم هجری بازتاب یافته است. در این پژوهش، با تمرکز بر منابع شاخص تا نیمه اول قرن پنجم هجری، سیر تحول سندی و متنی این روایت بررسی

خطوط مختلف نقل؛^۴ مقایسه گروه‌های اختلافات متنی و سندی و بررسی میزان همبستگی آن‌ها با هم؛^۵ نتیجه‌گیری درباره ناقل متن اصلی و عاملان تغییرات بعدی در نسخه‌های مختلف حدیث (ر.ک: موتسکی، ۱۳۸۴ ش، ۱۷۵) همچنین پنبیل به طور خاص در روش خود به بررسی پیشینه تاریخی نقل سند و تاریخ‌گذاری روایات بر اساس اسناد پرداخته و در تاریخ‌گذاری گونه‌های مختلف، روایات اعم از تاریخی فقهی و تفسیری از این روش بهره گرفته است. به باور وی احادیث معمولاً نشانه‌هایی از تاریخ خود را در ضمن اسناد ارائه می‌کنند و در سندها شواهدی وجود دارد که تاریخ قطعی بسیاری از احادیث و نظریه‌های عرضه شده در آن‌ها را مشخص می‌کند (آقایی، ۱۳۹۴ ش، ۱۶۷).

۱. به عنوان نمونه آقای بستانی به صورت سربسته گفته است که محتوای این روایت لبریز از تعابیر خلاف عقل و قرآن و نوعی داستان سرایی خرافی است و همچنین آقای نجمی به صورت اجمالی و خلاصه و بدون اینکه دلیل خاصی را در نقد حدیث بیان کند گفته‌اند که این حدیث از افسانه‌هاست و با مبانی اعتقادی سازگار نیست.

شده است. منابع مورد استناد بر اساس توالی تاریخی وفات مؤلفان به شرح زیر است:

۱-۲. صحیفه همام بن منبه (م. ۱۳۵ق)

این اثر به عنوان قدیمی ترین منبع حاوی حدیث، نقشی محوری در ردیابی خاستگاه روایت دارد. همام بن منبه، از شاگردان برجسته ابوهریره، تمامی روایات صحیفه خود را با واسطه او از پیامبر (ص) نقل می کند (مزی، ۱۴۰۰ق، ۳۰: ۳۰۰). متن روایت در این منبع بدین صورت آمده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: جَاءَ مَلِكُ الْمَوْتِ إِلَى مُوسَى، فَقَالَ لَهُ: أَحِبَّ رَبَّكَ، قَالَ: فَلَطَمَ مُوسَى عَيْنَ مَلِكِ الْمَوْتِ فَقَقَّاهَا، قَالَ: فَرَجَعَ الْمَلِكُ إِلَى اللَّهِ فَقَالَ: إِنَّكَ أَرْسَلْتَنِي إِلَى عَبْدٍ لَكَ لَا يُرِيدُ الْمَوْتَ وَقَدْ فَقَأَ عَيْنِي، قَالَ: فَرَدَّ اللَّهُ عَيْنَهُ، قَالَ: ارْجِعْ إِلَى عَبْدِي فَقُلْ لَهُ: الْحَيَاةُ تُرِيدُ؟ فَإِنْ كُنْتَ تُرِيدُ الْحَيَاةَ، فَضَعْ يَدَكَ عَلَى مِثْنِ ثَوْرٍ فَمَا وَارَتْ يَدُكَ مِنْ شَعْرَةٍ، فَإِنَّكَ تَعِيشُ بِهَا سَنَةً، قَالَ: ثُمَّ مَهْ؟ قَالَ: ثُمَّ تَمُوتُ، قَالَ: فَلَا أَمِنْ مِنْ قَرِيبٍ، قَالَ: رَبِّ أَذْنِي مِنَ الْأَرْضِ الْمُقَدَّسَةِ زُمَيْةً بِحَجَرٍ»، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: لَوْ أَنِّي عِنْدَهُ لَأَرَيْتُكُمْ قَبْرَهُ إِلَى جَانِبِ الطَّرِيقِ عِنْدَ الْكُثَيْبِ الْأَحْمَرِ»^۱ (همام بن منبه، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۳۰).

بر اساس این سند، حدیث دست کم در نیمه اول قرن دوم هجری در محافل حدیثی اهل سنت رواج داشته است. با این حال، قدیمی بودن منبع، دال بر صحت محتوایی روایت نیست؛ چنان که موتسکی^۲ با روش شناسی تاریخ گذاری، بر لزوم تفکیک «قدمت نقل» از «اعتبار محتوا» تأکید می کند (موتسکی، ۱۳۸۴ش، ۳۳-۴۰).

۱. ابوهریره از پیامبر (ص) روایت شده است که فرمود: «ملک الموت نزد موسی (ع) آمد و به او گفت: دعوت پروردگارت را استجابت کن. پیامبر گفت: «موسی (ع) به چشم ملک الموت ضربه ای زد و چشمش را کور کرد» پیامبر گفت: ملک الموت نزد خداوند برگشت و گفت: «مرا به بنده ای فرستاده ای که خواهان مرگ نیست و چشمم را کور کرد» پیامبر گفت: خداوند چشمش را به او برگرداند و به او گفت: «به بنده ام برگرد و به او بگو: «آیا زندگی دنیوی می خواهی؟ اگر زندگی دنیوی می خواهی پس دستت را پشت گاو میشی بگذار و تا هر جایی که دستت برسد به اندازه هر مویک سال عمر داده خواهی شد». موسی گفت: «سپس چه می شود؟» ملک الموت گفت: «سپس مرگ به سراغت می آید» موسی گفت: «پس همین الان مرگ را می طلبم پروردگارا به اندازه فاصله انداختن یک سنگ مرا نزدیک بیت المقدس بمیران» پیامبر (ص) فرمود: «قسم به خدا اگر نزدیک آن جا بودم قبرش را به شما نشان می دادم که در جانب راه و نزدیک توده ریگ سرخ هست» (همام بن منبه، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۳۰).

۲. برخی از خاورشناسان مانند شاخت و نیبل زمان و مکان تألیف منبع را حد زمانی آغازین حدیث می دانند یعنی حدیث پیش از تألیف آن منبع وجود نداشته و حدیث با تألیف منبع متولد شده است. این گروه زمان و مکان تألیف منبع را مهد پیدایش حدیث مورد بحث می پندارند البته به کمک استدلالی که مبتنی بر برهان سکوت است. شاخت که تنها به روایات فقهی توجه و اهتمام داشت، چنین احتجاج می آورد: بهترین راه برای اثبات این که روایتی در فلان زمان وجود نداشته، این است که مسئله یا مناقشه ای پیدا کنیم که در آن، هیچ کس این روایت را حجت فقهی خود قرار نداده باشد؛ حال آن که اگر چنین روایتی وجود داشت، استناد به آن حتمی و قطعی بود (موتسکی، ۱۳۸۴ش، ۵۵).

۲-۲. جامع معمر بن راشد (م. ۱۵۴ق)

معمر بن راشد در الجامع، این روایت را با تفاوت‌های واژگانی از همام بن منبه نقل می‌کند: ۱. جایگزینی «جَاءَ» با «أُرْسِلَ» در توصیف آمدن ملک الموت؛ ۲. استفاده از «صَكَّه» به جای «فَلَطَمَ» برای توصیف ضربه موسی (ع)؛ ۳. تغییر «فَرَجَعَ الْمَلِكُ إِلَى اللَّهِ» به «فَرَجَعَ إِلَى رَبِّهِ» (۱۴۰۳ق، ۲: ۲۷۴-۲۷۵).

۲-۳. المصنف عبدالرزاق صنعانی (م. ۲۱۱ق)

عبدالرزاق در المصنف، عین متن معمر بن راشد را بدون تغییر نقل می‌کند (۱۴۰۳ق، ۱: ۳۰۴-۳۰۵). این یکسان‌سازی احتمالاً ناشی از اتکای راویان پسین به منابع پیشین است.

۲-۴. مسند احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق)

ابن حنبل در المسند، روایت را از سه طریق مختلف نقل می‌کند. در یکی از نقل‌ها، تجسیم فرشته مرگ به صراحت بیان شده است: «فَتَمَثَّلَ لَهُ مَلَكُ الْمَوْتِ رَجُلًا» (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ۲: ۲۶۹).

۲-۵. صحیح بخاری (م. ۲۵۶ق) و صحیح مسلم (م. ۲۶۱ق)

بخاری و مسلم، هر دو روایت را با اتکا به سند عبدالرزاق نقل می‌کنند. تفاوت اصلی در موضع نقل حدیث است:

- بخاری آن را در کتاب بدء الخلق و کتاب الجنائز آورده (بخاری، ۱۴۰۱ق، ۱۵: ۱۲۸-۱۲۹).

- مسلم در باب فضائل موسی جای داده است (مسلم، بی تا، ۱۵: ۱۲۹).

۲-۶. منابع متأخرتر (قرن سوم تا پنجم)

ابن ابی عاصم (م. ۲۸۷ق)، نسائی (م. ۳۰۳ق)، طبری (م. ۳۱۰ق)، ابن حبان (م. ۳۵۴ق)، و حاکم نیشابوری (م. ۴۰۵ق) همگی با تکیه بر سند عبدالرزاق، متن یکسانی را نقل می‌کنند (طبری، ۱۸۷۹م، ۱: ۲۲۰؛ ابن حبان، ۱۴۱۴ق، ۱۴: ۱۱۳-۱۱۴). تنها در نقل ابن منده (م. ۳۹۵ق)، تأویل محتوایی دیده می‌شود که در بخش تحلیل سند بررسی خواهد شد.

مقایسه نسخه‌های مختلف، دو گرایش اصلی را آشکار می‌سازد:

۱- حفظ ساختار کلی روایت: هسته اصلی داستان (مجادله موسی با ملک الموت و کور شدن فرشته) در همه نقل‌ها ثابت است.

۲- تغییرات واژگانی و افزوده‌های تفسیری: جایگزینی افعال (مانند «صَكَّهُ» به جای «فَلَطَمَ»); افزودن جزئیات تجسیم فرشته (در مسند احمد); جابجایی مواضع نقل (در صحیحین).

این تغییرات عمدتاً ناشی از فرآیند نقل شفاهی و تأثیر راویان بر شکل‌گیری متن است. همچنین، تمرکز بر سند عبدالرزاق در منابع متأخر، نشان‌دهنده غالب شدن یک نسخه بر دیگران پس از قرن سوم هجری است.

بررسی سندی نشان می‌دهد:

۱- قدیمی‌ترین سند به ابوهریره (م. ۵۹ق) بازمی‌گردد که حلقه اصلی انتقال حدیث است؛

۲- شبکه اسنادی حول محور عبدالرزاق صنعانی و معمر بن راشد شکل گرفته است؛

۳- تفاوت‌های متنی عمدتاً سطحی و ناشی از اختلافات راویان است، نه تغییرات بنیادین.

این یافته‌ها، پایه‌ای برای تحلیل تاریخی و تعیین خاستگاه جعل حدیث در بخش بعدی مقاله خواهد بود.

۳. تاریخ‌گذاری حدیث بر پایه تحلیل اسناد

صحیفه همام بن منبه، به عنوان قدیمی‌ترین منبع موجود، حدیث درگیری موسی (ع) با ملک‌الموت را نقل کرده است. همام در آغاز کتاب خود تصریح می‌کند که این حدیث را از ابوهریره روایت کرده است: «هَذَا مَا حَدَّثَنَا أَبُو هُرَيْرَةَ» (۱۴۰۷ق، ۱: ۲۰). ابوهریره که در سال هفتم هجری اسلام آورد، در دوران خلافت معاویه به دمشق مهاجرت کرد و به نقل حدیث در مناطق مختلفی مانند شام، عراق و بحرین پرداخت (مزی، ۱۴۰۶ق، ۳۴: ۳۷؛ ابن‌عساکر، ۴۱۵ق، ۶۹: ۲۹۷-۳۱۳). اگرچه سند این حدیث تنها از طریق ابوهریره به پیامبر (ص) متصل می‌شود، اما او حلقه مشترکی است که شش راوی اصلی، این روایت را از او نقل کرده‌اند.

نخستین راوی، همام بن منبه یمانی (م. ۱۳۱ق) است که از ابوهریره، معاویه بن ابی‌سفیان و دیگران حدیث شنید. او از ثقات تابعین به شمار می‌رود و رجالیان بزرگی مانند ابن‌معین و ذهبی وثاقت او را تأیید کرده‌اند (ابن‌ابی‌حاتم رازی، ۱۹۵۲م، ۹: ۱۰۷؛ مزی، ۱۴۰۰ق، ۳۰: ۳۰).

دومین راوی، طاووس بن کیسان یمانی (م. ۱۰۶ق) است که از عبادله اربعه و فقههای برجسته یمن بود. او به دلیل مجالست با پنجاه تن از صحابه و تبهر در تفسیر قرآن، از راویان مورد اعتماد شناخته می‌شد (ذهبی، ۱۹۶۲م، ۱: ۸۵؛ ابن خلکان، ۱۹۹۴م، ۲: ۵۰۹).

سومین نفر، حبیب بن سالم انصاری، کاتب نعمان بن بشیر است که از ابوهریره روایت کرده است. اگرچه محتوای احادیث او خدشه‌دار نیست، اما سندهای منقول از وی گاه دچار اضطراب می‌شود (مزی، ۱۴۰۰ق، ۵: ۱۰۸۵؛ ابن ابی حاتم رازی، ۱۹۵۲م، ۳: ۴۷۱).

چهارمین راوی، ابویونس سلیم بن جبیر، فردی کمتر شناخته شده است و منابع متأخر مانند دارقطنی به نقل از او اشاره کرده‌اند (دارقطنی، ۱۴۰۶ق، ۴: ۲۳۴۵).

پنجمین راوی، ابن سیرین (م. ۱۱۰ق)، از فقههای مشهور بصره و از طبقه دوم تابعین است که روایت او از ابوهریره به دلیل جایگاه علمی‌اش مورد توجه قرار گرفته است (ابن سعد، بی‌تا، ۷: ۱۴۳).

ششمین و آخرین راوی، عمار بن ابی عمار است که رجالیانی مانند ابن حجر او را ثقه و مورد اعتماد دانسته‌اند (ابن حجر عسقلانی، ۱۹۸۴م، ۷: ۴۰۴).

این شش راوی، شبکه اسنادی حدیث را شکل می‌دهند که از ابوهریره آغاز می‌شود و از طریق شاگردانش به منابعی مانند صحیح بخاری و مسلم می‌رسد. برای نمونه، همام بن منبه این حدیث را به معمر بن راشد منتقل کرد و او نیز آن را به عبدالرزاق صنعانی رساند. عبدالرزاق در المصنف خود این روایت را بدون تغییر نقل کرد (صنعانی، ۱۴۰۳ق: ۳۰۴-۳۰۵) و پس از او، بخاری و مسلم در صحیحین خود از طریق عبدالرزاق، آن را نقل نمودند.

با وجود این، برخی از اسناد این حدیث با چالش‌هایی روبه‌روست؛ از جمله انحصار نقل به ابوهریره و اضطراب در سندهای حبیب بن سالم و ابویونس. در مقابل، حضور راویان ثقه مانند همام بن منبه و ابن سیرین، بخشی از اعتبار سندی این روایت را حفظ کرده است. این تحلیل، پایه‌ای برای بررسی زمان و چرایی شکل‌گیری این حدیث در بخش بعدی پژوهش خواهد بود.

شبکه اسناد حدیث درگیری را می‌توان به صورت زیر نمایش داد:

مقایسه اسناد موجود در منابع رسمی اهل سنت، به ویژه صحیح بخاری و مسلم، نشان می‌دهد که نقل عبدالرزاق از معمر بن راشد در مقایسه با سایر طرق، از مقبولیت گسترده‌تری در میان محدثان اهل سنت برخوردار بوده است.

از منظر تاریخ‌گذاری، با تمرکز بر حلقه ابوهریره (م. ۵۹ق)، می‌توان دوره شکل‌گیری این حدیث را به عصر حیات وی نسبت داد. بر اساس دیدگاه‌های یوزف شاخت، هارالد وینبل، ابوهریره به‌عنوان یک راوی مشکوک، متهم به جعل حدیث و سوءاستفاده از جایگاه پیامبر (ص) است. برخی خاورشناسان نیز با تردید در انتساب حدیث به ابوهریره، احتمال جعل را به طبقات پسین‌تر (ناقلان پس از وی) نسبت می‌دهند که از نام او برای اعتباربخشی به روایات استفاده کرده‌اند. با این حال، طیف شکاک خاورشناسان، عموماً دوره زندگی ابوهریره را نقطه محوری در فرآیند جعل حدیث می‌دانند.

شایان ذکر است که سایر طرق نقلی در شبکه اسناد این حدیث، نظیر طریق «عالی»، از منظر خاورشناسان فاقد اعتبار تاریخی تلقی می‌شوند؛ چرا که این طرق به‌دلیل انفراد یا اتصال نامستند (شیرجه‌ای)، از حیث تاریخی فاقد قطعیت و استنادپذیری هستند. در ادامه، جهت تکمیل تحلیل، تاریخ‌گذاری حدیث بر پایه بررسی متنی (متن‌شناسی) نیز مورد توجه قرار خواهد گرفت.

۴. تاریخ‌گذاری بر اساس تحلیل متن

در این پژوهش، ۱۷ نسخه متنی از منابع متقدم و معتبر اهل سنت مورد تحلیل محتوایی قرار گرفت. محوریت این روایات، واقعه‌ای است که طی آن خداوند «ملک الموت» را به سوی حضرت موسی (ع) می‌فرستد. بر اساس مضامین مشترک، حضرت موسی (ع) با شناخت فرشته مرگ، واکنشی خشن نشان داده و با سیلی زدن به او، باعث کور شدن چشمانش می‌شود. ملک الموت با بازگشت به پیشگاه الهی، از امتناع موسی (ع) از پذیرش مرگ گزارش می‌دهد. خداوند چشمان او را باز می‌گرداند و دستور می‌دهد تا به حضرت موسی (ع) پیشنهاد دهد دست خود را بر پشت گاو نری قرار دهد؛ به ازای هر مویی که زیر دستش قرار می‌گیرد، یک سال به عمرش افزوده خواهد شد. در پاسخ به پرسش ملک الموت درباره سرانجام نهایی، خداوند می‌فرماید: «سپس مرگ». موسی (ع) با درخواست نزدیکی به سرزمین مقدس (با فاصله پرتاب یک سنگ)، سرانجام در مکانی مشخص - کنار جاده وزیر تپه‌ای از شن‌های سرخ - دفن می‌شود (بخاری، ۱۴۱۰ق، ۹۲: ۹۳؛ ۱۳۰-۱۳۱؛ مسلم، بی‌تا، ۷: ۱۰۰؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ۲: ۲۶۹؛ نسائی، ۱۴۱۱ق، ۴: ۱۱۹).

۴-۱. روش‌شناسی تحلیل متن

برای بررسی تفاوت‌های نسخه‌ای، روایت منسوب به ابوهریره با استفاده از روش «تقطیع محتوایی» به اجزای ساختاری تقسیم شد. در جدول ۱، عناصر کلیدی روایت (مانند رویارویی موسی با ملک الموت، پیشنهاد عمر طولانی، و درخواست موسی) با کدهای الفبایی (نظیر C, D, E) دسته‌بندی و کدگذاری شدند. در جدول ۲، این کدها با استناد به منابع مکتوب - بر اساس ترتیب تاریخی سال وفات مؤلفان - تطبیق داده شده‌اند. به عنوان مثال، «سیلی زدن موسی (ع) به ملک الموت» با کد اصل C شناسایی شد، اما با توجه به تفاوت‌های عبارت‌پردازی در نسخه‌ها، زیرمجموعه‌هایی مانند C1 (نسخه همام بن منبه) و C2 (نسخه معمر بن راشد) ایجاد گردید. این رویکرد، امکان مقایسه نظام‌مند وردیابی تحولات زبانی و محتوایی در انتقال روایت را فراهم می‌کند.

بنابراین: ۱- تنوع در توصیف کنش‌ها (مثلاً شدت ضربه موسی (ع) یا جزئیات مکان دفن) نشان‌دهنده تحولات روایی در فرآیند نقل است؛ ۲- نسخه‌های متقدم‌تر (مانند روایت بخاری) از ایجاز بیشتری برخوردارند، در حالی که نسخه‌های متأخر گاه با افزوده‌های توصیفی همراهند؛ کد C (سیلی زدن) در تمام نسخه‌ها حاضر است، اما زیرکده‌های آن (C1, C2) بیانگر تفاوت‌های معناشناختی در بیان این کنش هستند.

جدول شماره (۱) کدگذاری روایت ابوهریره

کد	موضوع	متن عربی
A1	ارسال ملک الموت به سوی موسی	قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: جَاءَ مَلَكُ الْمَوْتِ إِلَى مُوسَى
A2		عَنِ النَّبِيِّ قَالَ: أُرْسِلَ مَلَكُ الْمَوْتِ إِلَى مُوسَى،
A3		قَدْ كَانَ مَلَكُ الْمَوْتِ يَأْتِي النَّاسَ عِيَانًا، قَالَ: فَأَتَى مُوسَى
A4		أُرْسِلَ مَلَكُ الْمَوْتِ إِلَى مُوسَى لِيَقْبِضَ رُوحَهُ
A5		قَالَ أَبُو الْقَاسِمِ: أَتَى مَلَكُ الْمَوْتِ مُوسَى لِيَقْبِضَ نَفْسَهُ
B	درخواست اجابت مرگ	فَقَالَ لَهُ: أَجِبْ رَبَّكَ
C1	سیلی زدن موسی به ملک الموت	فَلَطَمَ مُوسَى عَيْنَ مَلِكِ الْمَوْتِ / فَلَطَمَهُ / فَلَطَمَهُ لُطْمَةً
C2		فَلَمَّا جَاءَهُ صَكَّهُ
D	کوری چشم ملک الموت	فَفَقَّأَهَا / فَفَقَّأَ عَيْنَهُ

E	بازگشت ملک الموت به سوی خدا	فَرَجَ الْمَلَكُ إِلَى اللَّهِ/ فَعَرَجَ مَلَكُ الْمَوْتِ/ فَأَتَى رَبَّهُ
F1	گزارش عملکرد	إِنَّكَ أَرْسَلْتَنِي/ بَعَثْتَنِي إِلَى عَبْدٍ لَكَ لَا يُرِيدُ الْمَوْتَ
F2		قَالَ: رَبِّ أَتَيْتُ عَبْدًا مِنْ عِبِيدِكَ لَا يُرِيدُ الْمَوْتَ
G1	شکایت ملک الموت از کوری چشم	وَقَدْ فَقَأَ عَيْنِي/ فَقَأَ عَيْنِي
G2		فَعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا
G3		وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا صَنَعَ بِهِ/ فَصَنَعَ هَذَا بِعَيْنِي
H1	واکنش خدا	فَرَدَّ اللَّهُ عَيْنَهُ/ فَرَدَّ اللَّهُ إِلَيْهِ عَيْنَهُ/ فَرَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ عَيْنَهُ
H2		وَلَوْلَا كَرَامَتُهُ عَلَيْكَ، لَعَنْتُكَ بِهِ لَشَقَقْتُ عَلَيْهِ
I1	دستور خدا به ملک الموت برای بازگشت سمت موسی	ارْجِعْ إِلَى عَبْدِي فَقُلْ لَهُ/ ارْجِعْ إِلَيْهِ فَقُلْ لَهُ
I2		اذهبْ إِلَى عَبْدِي، فَقُلْ لَهُ:
I3		فَقَالَ اللَّهُ: إِيَّتِ عَبْدِي مُوسَى فَخَيَّرَهُ بَيْنَ
J1	متن دستور خدا	الْحَيَاةِ تُرِيدُ؟ فَإِنْ كُنْتَ تُرِيدُ الْحَيَاةَ، فَضَعْ يَدَكَ عَلَى
J2		مَثْنٍ نُورٍ فَمَا وَارَثَ يَدُكَ مِنْ شَعْرَةٍ، فَإِنَّكَ تَعِيشُ بِهَا سَنَةً/ تَوَارَثَ/ دَارَتْ
		يَضَعُ يَدَهُ عَلَى مَثْنٍ نُورٍ فَلَهُ مَا غَطَّتْ يَدُهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ سَنَةً
K1	تصمیم موسی و انتخاب مرگ	قَالَ: ثُمَّ مَهْ؟ قَالَ: ثُمَّ تَمُوتُ، قَالَ: فَالآنَ مِنْ قَرِيبٍ،
K2		وَيَبِينَ أَنْ يَمُوتَ الْآنَ، فَأَنَاءَ فَخَيَّرَهُ، فَقَالَ مُوسَى: فَمَا بَعْدَ ذَلِكَ؟ قَالَ: الْمَوْتُ، قَالَ: فَالآنَ
K3		ثُمَّ يَمُوتُ، فَقَالَ مُوسَى: لَا بَلِ الْآنَ يَا رَبِّ إِنْ كَانَ لَا بُدَّ
L1	درخواست موسی از خدا	رَبِّ أَذْنِي مِنَ الْأَرْضِ الْمُقَدَّسَةِ زَمِيَةً بِحَجَرٍ
L2		فَسَمَهُ سَمَةً فَقَبِضَ رُوحَهُ
M1	تایید ماجرای درخواست موسی توسط پیامبر	قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: لَوْ أَنِّي عِنْدَهُ لَأَرِيْتُكُمْ قَبْرَهُ إِلَى جَانِبِ الطَّرِيقِ عِنْدَ الْكُثَيْبِ الْأَحْمَرِ
M2		فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: لَوْ كُنْتُ ثُمَّ لَأَرِيْتُكُمْ قَبْرَهُ إِلَى جَنْبِ الطَّرِيقِ تَحْتَ الْكُثَيْبِ الْأَحْمَرِ

جدول (۲) کدگذاری عناصر نسخه‌های روایت ابوهریره بر اساس کدهای جدول (۱)

ش	نسخه	آدرس	A	B	C	D	E	F	G	H	I	J	K	L	M
۱	همام بن منبه (۱۳۵)	صحیفه همام بن منبه	۱	*	۱	*	*	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۲	معمر بن راشد (۱۵۴)	الجامع	۲		۲	*	*	۱		۱	۱	۲	۱	۱	۲
۳	عبدالرزاق (۲۱۱)	المصنف	۲		۲	*	*	۱		۱	۱	۲	۱	۱	۲
۴	ابن حنبل (۲۴۱)		۱	*	۱	*	*	۱	۱	۲	۱	۱	۱	۱	۱
۵	ابن حنبل (۲۴۱)		۱	*	۱	*	*	۱	۱	۱	۱	۱	۱		
۶	ابن حنبل (۲۴۱)		۳		۱	*	*		۱		۲	۲	۱	۱	
۷	بخاری (۲۵۶)	الصحيح	۲		۲	*		۱		۱	۱	۲	۱	۱	۲
۸	بخاری (۲۵۶)	الصحيح	۲		۲	*		۱			۱	۲	۱	۱	۲
۹	مسلم (۲۶۱)	الصحيح	۲		۲	*	*	۱	۲	۱	۱	۲	۱	۱	۲
۱۰	مسلم (۲۶۱)	الصحيح	۱	*	۱	*	*	۱	۱	۲	۱	۱	۱	۱	۱
۱۱	ابن ابی عاصم (۲۸۷)		۲		۱	*	*	۱		۲	۱	۲	۱	۱	۲
۱۲	نسائی الصغرى	السنن	۲		۲	*	*	۱		۲	۱	۲	۱	۱	۲
۱۳	طبری (۳۱۰)		۲		۲	*	*	۱		۲	۱	۲	۱	۱	۲
۱۴	ابن حبان (۳۵۴)		۴		۱	*	*	۱			۱	۲	۱	۱	۲
۱۵	ابن حبان (۳۵۴)		۴	*	۱	*	*	۱	۱	۱	۱	۲	۱	۱	۱
۱۶	ابن منده (۳۹۵)		۲			*	*	۱		۲	۱	۲	۱	۱	۲
۱۷	حاکم (۴۰۵)		۳		۱	*	*		۲	۴		۱	۲	۲	
۱۸	نعالی (۴۱۳)		۵		۱	*	*	۲	۳	۴	۳	۱	۳	۲	۲

۵. تحلیل نسخه‌ها

بررسی تطبیقی نسخه‌های مختلف این حدیث نشان‌دهنده تفاوت‌های محتوایی و زبانی است. مطابق داده‌های جدول شماره ۲، متن روایت عبدالرزاق صنعانی در کتاب المصنف، عیناً منطبق بر روایت معمر بن راشد است. هر دو این نسخه‌ها، عناصر موجود در روایت همام بن منبه را بازتاب می‌دهند، با این تفاوت که عنصر B (با محوریت عبارت «أَجِبْ رَبَّكَ») که نخستین بار در صحیفه همام مشاهده می‌شود، در روایات عبدالرزاق و معمر بن راشد غایب است. جالب توجه آن‌که این عنصر تنها در نسخه‌های متأخری مانند روایات ابن حنبل، مسلم و ابن حبان - که همگی از طریق عبدالرزاق و معمر نقل شده‌اند - ظاهر می‌شود، در حالی که متن اصلی عبدالرزاق (متوفی ۲۱۱ ه.ق) و معمر (متوفی ۱۵۳ ه.ق) فاقد این بخش است. این نااهم‌خوانی، پرسشی جدی را درباره منشأ ظهور عنصر B در نسخه‌های سده سوم هجری مطرح می‌کند: چگونه راویان پسین، با فاصله زمانی بیش از یک قرن از همام بن منبه، به این عنصر دست یافته‌اند، در حالی که حلقه‌های واسطه (عبدالرزاق و معمر) آن را نقل نکرده‌اند؟ این افزوده‌شدگی می‌تواند نشانگر تحریف یا بازسازی روایی در فرآیند انتقال حدیث باشد.

از سوی دیگر، مقایسه نسخه‌های منتسب به معمر بن راشد و عبدالرزاق، حاکی از هم‌سانی محتوایی با صحیفه همام است، اما تفاوت‌های زبانی قابل توجهی در سطح واژگان، صیغه‌های فعلی و حروف جر مشاهده می‌شود. برای نمونه، در روایت احمد بن حنبل - که از طریق همین اسناد نقل شده - فعل «تَوَارَتْ» (به معنای «پنهان شد») جایگزین فعل «وَارَتْ» (به معنای «پوشاند») در عبارت «فَمَا وَارَتْ يَدُكَ مِنْ شَعْرَةٍ» شده است. این فعل جایگزین، آشکارا تحت تأثیر آیه ۳۲ سوره ص «حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ» قرار دارد، حال آن‌که در نسخه همام (به عنوان قدیمی‌ترین منبع) چنین کاربردی وجود ندارد. این تغییر زبانی، احتمالاً در نیمه اول قرن سوم و هم‌زمان با تدوین نسخه ابن حنبل، تحت تأثیر قرائت قرآن به متن حدیث راه یافته است.

بر پایه داده‌های جدول ۱ و ۲، دو الگوی متمایز در انتقال حدیث شناسایی می‌شود:

۱- نسخه‌های مبتنی بر سند عبدالرزاق/معمر: از همگنی ساختاری برخوردارند و عمدتاً بازتولید متن همام بن منبه هستند.

۲- نسخه‌های مبتنی بر سند حماد بن سلمه: با افزوده‌های محتوایی چشمگیر (مانند عناصر جدید) و بازنگری‌های زبانی همراهند که نشان‌دهنده تحولات روایی در گذر زمان است.

این تفاوت‌ها نه تنها بر ضرورت واکاوی انتقادی اسناد حدیث تأکید می‌کند، بلکه لزوم تمایزگذاری بین لایه‌های زمانی در فرآیند شکل‌گیری متن را نیز آشکار می‌سازد (عربی‌آیسک و همکاران، ۱۴۰۳ش، ۲۵۲).

در بررسی تحولات روایی این حدیث، شاهد افزوده شدن عناصر جدیدی در برخی نسخه‌های متأخر هستیم. به عنوان نمونه، در یکی از دو روایتی که احمدبن حنبل نقل کرده و نیز در نقل حاکم نیشابوری - که هر دو به سند حمادبن سلمه ختم می‌شوند - عبارت «قَدْ كَانَ مَلِكُ الْمَوْتِ يَأْتِي النَّاسَ عَيَانًا» («فرشته مرگ به شکل آشکار بر مردم ظاهر می‌شد») به شرح واقعه سلیلی زدن موسی (ع) به ملک الموت اضافه شده است. این افزوده، احتمالاً از سوی حمادبن سلمه در فرآیند نقل حدیث وارد شده است. با این حال، نکته محوری آن است که احمدبن حنبل - به عنوان نخستین راوی این نسخه خاص - از چهره‌های شاخص مکتب تشبیه‌گرایی (تجسیم‌گرایی) در تاریخ اسلام است. شواهد این گرایش فکری در آثار او آشکارا دیده می‌شود؛ از جمله روایاتی مانند: «إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ عَلَى إِصْبَعٍ» (خداوند آسمان‌ها را بر انگشتی نگاه می‌دارد) یا توصیفاتی چون گریه و خندیدن خداوند (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ۲: ۴۶۲؛ همو، ۱۴۰۶ق، ۲۰۹).

بر این اساس، اضافه شدن عبارت فوق در روایت ابن حنبل می‌تواند نشانه‌ای از تأثیرپذیری راوی از باورهای تشبیه‌گرایانه و بازتاب آن در بازسازی روایت باشد. این عنصر، احتمالاً پس از جعل اولیه حدیث در دوره ابوهریره و همزمان با گسترش گفتمان تجسیم‌گرایی در نیمه دوم قرن سوم هجری، به متن اصلی افزوده شده است. ظهور این عبارت، موجب شده تا برخی محدثان و متکلمان متأخر، به تأویل متن روی آورند. برای مثال:

- ابن قتیبه (م. ۲۷۶ق) با استناد به غیر مادی بودن فرشتگان، این صحنه را به «تجسم موقت» ملک الموت - مشابه تجسم جبرئیل در قالب دحیه کلبی - تفسیر کرده و سلیلی زدن موسی (ع) را امری تمثیلی و بدون آسیب فیزیکی به فرشته دانسته است (ابن قتیبه، بی‌تا، ۲۵۸).

- ابن فورک (م. ۴۰۶ق) نیز با رویکردی مجازی، این واقعه را به معنای «اقناع موسی (ع) توسط ملک الموت با استدلال» تحلیل کرده است (عتر، ۱۴۱۸ق، ۳۴۰).

- نورالدین عتر، با رد دیدگاه منتقدان، منکران این حدیث را متهم به الحاد نموده است (همان).

با وجود تلاش‌های فوق، تأویل این حدیث با چالش‌های جدی روبه‌روست:

۱- نبود شواهد قرآنی یا روایی: هیچ گزارشی در متون دینی پیشین (قرآن یا روایات پیامبر) درباره تجسم مادی ملک الموت برای گرفتن جان انسان‌ها وجود ندارد.

۲- تناقض در منطق تأویل: اگر «کور شدن» ملک الموت تمثیلی است، چرا خداوند بینایی او را بازمی‌گرداند؟ اگر «دست گذاشتن بر پشت گاو» نمادین است، چرا تنها این بخش معجزانگاشته شده و سایر عناصر حدیث (مانند محاسبه عمر بر پایه موهای گاو) تحت تأویل قرار نمی‌گیرد؟

۳- ناسازگاری با شخصیت موسی (ع): چگونه می‌توان پذیرفت که پیامبری با جایگاه رفیع الهی، از مرگ بگریزد و با فرشته خدا درگیر شود؟ این روایت با تصویر قرآنی از موسی (ع) به عنوان «کلیم الله» ناهم‌خوان است.

۴- ابهام در کارکرد تمثیل: حتی اگر کل داستان را تمثیلی فرض کنیم، پیامبر (ص) به عنوان الگوی بلاغت، چگونه روایتی با این سطح از ابهام و شبهه‌آفرینی را بیان کرده است؟

۵-۱. ریشه‌یابی اسرائیلیات

برخی محققان با استناد به ساختار روایت و تناقض‌های محتوایی، خاستگاه این حدیث را متأثر از اسرائیلیات - به ویژه روایات واردشده از طریق کعب الاحبار، یهودی تازه مسلمان شده - دانسته‌اند (ابوریه، ۱۴۳۱ق، ۱۳: ۸۹). ابوهیریه، به عنوان حلقه اصلی نقل این حدیث، از روایان نزدیک به کعب الاحبار بود و این هم‌گرایی، احتمال انتقال عناصر اسطوره‌ای یهودی به متون اسلامی را تقویت می‌کند.

بنابراین، ۱- افزوده‌های متأخر (مانند عبارت تجسم ملک الموت) بازتابی از تحولات کلامی سده‌های دوم و سوم هجری است؛ ۲- تأویل‌های ارائه‌شده ناتوان از رفع تناقض‌های ذاتی حدیث هستند؛ ۳- احتمال قوی تأثیرپذیری از اسرائیلیات، اعتبار سندی و محتوایی این روایت را زیر سؤال می‌برد.

۶. آشفتگی محتوایی - متنی حدیث

یکی از چالش‌های محتوایی حدیث «درگیری حضرت موسی (ع) با فرشته مرگ»، آشفتگی ساختاری و اختلافات نسخه‌ای آن است. هرچند اصطلاح دقیقی برای توصیف «آشفتگی متنی» در دانش حدیث‌شناسی تعریف نشده، اما نزدیک‌ترین مفهوم، «اضطراب متن» است که برخی اندیشمندان علوم حدیث، آن را زیرمجموعه احادیث ضعیف یا حتی جعلی قرار داده‌اند. بر پایه تعریف، اضطراب متن به وضعیتی اطلاق می‌شود

که اختلاف‌های نسخه‌های مختلف یک روایت به حدی باشد که نتوان میان آن‌ها جمع عقلایی کرد یا یکی را بر دیگری ترجیح داد (مامقانی، ۱۳۸۶ ش، ۱: ۲۸۵؛ صدر، ۱۳۸۰ ق، ۱: ۲۲۴؛ نفیسی، ۱۳۸۶ ش، ۵۲۳). به بیان دیگر، آشفتگی متنی به معنای وجود ناهم‌خوانی‌های مفهومی، ابهامات زبانی، یا تناقض‌های عقیدتی در محتوای حدیث است که هم فهم آن را دشوار می‌سازد و هم صدور آن از معصوم را نامحتمل می‌کند. این معیار، مبنای نقد بسیاری از احادیث توسط پژوهشگرانی چون معروف حسنی بوده است (معروف حسنی، ۱۴۱۸ ق، ۳۱۷ و ۳۵۰).

۱-۶. نمونه‌های آشفتگی در حدیث مورد بررسی

۱-۱-۶. اختلاف در افعال و عبارت‌پردازی

۱- در بخش ارسال ملک الموت به سوی موسی (ع)، افعالی مانند «أُرْسِلَ»، «جاء»، و «أتی» در نسخه‌های مختلف به کار رفته‌اند (رجوع به جدول‌های پیشین)؛ ۲- در روایت حبیب‌بن‌سالم انصاری، تعبیر غیر متعارف «لِیَقْبِضَ نَفْسَهُ» برای قبض روح موسی (ع) استفاده شده که در سایر متون حدیثی بی‌سابقه است؛ ۳- در بیان بازگشت ملک الموت به خداوند، تنها در نسخه حاکم نیشابوری (با سند علی‌بن‌حمشاذ حمادبن‌سلمه عماربن ابی‌عمار) فعل «فَعَرَجَ» به کار رفته، در حالی که سایر نسخه‌ها فاقد این واژه‌اند. این نشان می‌دهد «عرج» افزوده متأخری است که احتمالاً تحت تأثیر گفتمان‌های کلامی سده‌های سوم به بعد وارد متن شده است.

۲-۱-۶. دگرگونی‌های زبانی در نقل بخاری

۱- افزودن حرف جر «عَلِیْهِ» در عبارت «فَرَدَّ اللَّهُ عَلَیْهِ عَیْنَهُ»؛ ۲- حذف «إِلَیْهِ» از فعل «ارْجِعْ»؛ ۳- استفاده از «بِكُلِّ» در عبارت «بِكُلِّ مَا غَطَّتْ»؛ ۴- جایگزینی «جانب» به جای «جنب» و «عند» به جای «تحت» در توصیف مکان دفن موسی (ع) (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ ق، ۱۵: ۱۲۸-۱۲۹).

۳-۱-۶. افزوده‌های اعتقادی متأخر

عبارت «مَلِكُ الْمَوْتِ یَأْتِی النَّاسَ عِیَانًا» که نخستین بار در روایات احمدبن‌حنبل ظاهر می‌شود، در نسخه‌های پیشین وجود ندارد. این عبارت، آشکارا متأثر از باورهای تشبیه‌گرایانه (تجسیم فرشتگان) است که در سده سوم هجری رواج یافته بود.

۷. پیامدهای آشفتگی متنی

۱- عدم انسجام روایی: تفاوت‌های ساختاری و زبانی، دستیابی به «متن اصیل» حدیث را ناممکن می‌سازد؛ ۲- شبهه جعل: ناهم‌خوانی‌ها، به ویژه افزوده‌های متأخر، احتمال دست‌کاری آگاهانه در متن را تقویت می‌کند؛ ۳- چالش‌های تفسیری: تناقض در افعال و اصطلاحات (مانند «قبض نفس» یا «عرج»)، فهم یک‌پارچه حدیث را مختل می‌کند. با توجه به موارد فوق، می‌توان ادعا کرد که آشفتگی متنی این حدیث - اعم از اختلافات نسخه‌ای، افزوده‌های اعتقادی، و ناهم‌گونی زبانی - نه تنها صحت انتساب آن به پیامبر (ص) را زیر سؤال می‌برد، بلکه آن را به مثابه نمونه‌ای از تحریف در فرآیند نقل روایات باز می‌نماید. این امر، لزوم واکاوی انتقادی متون حدیثی با روش‌هایی مانند تحلیل نسخه‌شناسی و تطبیق گاه‌شمارانه را آشکار می‌سازد.

۸. تناقض با شناخت و عصمت انبیاء

یکی از محوری‌ترین مفاهیم در ادیان ابراهیمی، به ویژه اسلام، مسئله مرگ و حیات اخروی است که در آیات متعددی از قرآن کریم بر آن تأکید شده است. بر اساس آموزه‌های قرآنی، اولیای الهی و مؤمنان در لحظه قبض روح، با بشارت‌های آرامش‌بخش و استقبالی روح‌نواز روبه‌رو می‌شوند: «فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ (۸۸) فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتْ نَعِيمٌ (۸۹) وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ (۹۰) فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ» (الواقعه: ۸۸-۹۱).

مفسران فریقین (قمی، ۱۳۶۳ ش، ۲: ۳۵۰؛ صافی، ۱۴۱۵ ق، ۵: ۱۳) و محدثان اهل سنت (ابن‌حنبل، ۱۴۲۰ ق، ۱: ۲۷۶؛ مراغی، بی‌تا، ۲۷: ۱۵۵) این آیات را ناظر به لحظه مرگ و قبض روح دانسته‌اند. در روایتی منسوب به پیامبر (ص) آمده است: «أَمَّا وَاللَّهِ إِنَّهُمْ لَيَرَوْنَ عِنْدَ الْمَوْتِ» (طبری، ۱۴۱۲ ق، ۲۷: ۱۲۲)، که بر اساس آن، مؤمنان در آستانه مرگ، جلوه‌هایی از رحمت الهی را مشاهده می‌کنند.

۹. چالش‌های محتوایی حدیث درگیری موسی (ع) با فرشته مرگ

حدیث مورد بحث - که در آن حضرت موسی (ع) با سیلی زدن به ملک الموت، چشمان او را نابینا می‌کند - با چندین اشکال بنیادین الهیاتی و روایی روبه‌روست:

۹-۱. تناقض با عصمت انبیاء

انبیای الهی - به ویژه پیامبران اولوالعزم مانند حضرت موسی (ع) - در اندیشه اسلامی از مقام عصمت برخوردارند و هرگونه نافرمانی از فرامین الهی یا ارتکاب عملی ناشایست (حتی پیش از نبوت) از ایشان نفی شده است (ر.ک: طه: ۴۱): «وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي». حال پرسش این است: چگونه ممکن است پیامبری با این جایگاه رفیع، نه تنها در برابر اجرای فرمان الهی (قبض روح) مقاومت کند، بلکه با خشونت فیزیکی به یکی از فرشتگان مقرب (ملک الموت) آسیب برساند؟ این رفتار نه تنها با عصمت نبوی ناسازگار است، بلکه با تصویر قرآنی از حضرت موسی (ع) به عنوان «کَلِيمَ اللَّهِ (هم‌سخن با خدا) در تضاد قرار می‌گیرد.

۹-۲. ناهم‌خوانی با شناخت پیامبران از ماهیت مرگ

بر پایه آیات و روایات، پیامبران مرگ را درگاه وصال به خداوند و آغاز حیات جاودانه می‌دانند. قرآن کریم در توصیف حال مؤمنان می‌فرماید: «الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (النحل: ۳۲). با این توصیف، چگونه می‌توان پذیرفت موسی (ع) - به عنوان پیامبری آگاه به اسرار الهی - از مرگ هراسیده و تا حد درگیری با فرشته خدا پیش رفته باشد؟

۹-۳. تضاد با گفتمان تسلیم در برابر اراده الهی

اساس دین‌داری در اسلام، تسلیم محض در برابر اراده خداوند است: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ» (فصلت: ۶). حتی اگر فرض شود حضرت موسی (ع) به دلیل ترس از حسابرسی اعمال (فرضی ناموجه)، از مرگ گریزان بوده، این ادعا با عصمت پیامبران و آگاهی ایشان از عدل الهی سازگاری ندارد.

۹-۴. شبهه تأثیر‌پذیری از اسرائیلیات

برخی محققان، ریشه این روایت را در اسرائیلیات - به ویژه روایات واردشده از طریق کعب‌الاحبار - می‌دانند که با هدف تضعیف جایگاه پیامبران وارد متون اسلامی شد (ابوریه، ۱۴۳۱ق، ۱۳: ۸۹). این‌گونه روایات، اغلب با هدف ارائه تصویری ناسازگار از شخصیت پیامبران، زمینه‌ساز شبهه در باورهای دینی می‌شوند و بیشتر این‌گونه احادیث ساختگی و جعلی می‌نماید (محمدی، ۱۴۰۳ش، ۲۷۰).

بنابراین حدیث از حیث محتوایی نیز با اصول مسلم کلامی (مانند عصمت انبیاء)، مفاهیم قرآنی (تسلیم در برابر خدا)، و منطق تاریخی (عدم گزارش مشابه از دیگر پیامبران) در تناقض آشکار قرار دارد. این ناهم خوانی ها، احتمال جعل یا تحریف این روایت در فرآیند نقل را تقویت می کند.

۹-۵. تناقض با ماهیت فرشتگان

فرشتگان از جمله موجودات ماورایی اند که وجودشان در آیات متعددی از قرآن کریم تصریح شده است (البقره: ۲۸۵؛ النساء: ۱۳۶؛ المدثر: ۳۱). در میان اندیشمندان مسلمان، دو دیدگاه کلان درباره ماهیت وجودی فرشتگان شکل گرفته است:

الف- دیدگاه جسمانیت لطیف (نورانی): علامه مجلسی با استناد به اجماع امامیه و عموم مسلمانان (به استثنای فلاسفه)، فرشتگان را اجسام لطیف نورانی می داند که قابلیت تجسم در اشکال متنوع را دارا هستند: «بدان که اجماع امامیه و بلکه مسلمانان جز گروه فلاسفه بر آن است که ماهیت فرشتگان عبارت است از اجسام لطیفه نورانی که قابلیت تجسم در صور گوناگون را دارند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۵۶: ۲۰۳).

ب- دیدگاه تجرّد (غیرمادی بودن): در مقابل، اندیشمندانی مانند امام خمینی و علامه طباطبایی، فرشتگان را موجوداتی مجرد از ماده می دانند. امام خمینی با نقد دیدگاه جسمانیت، معتقد است این نظریه با معارف دینی ناسازگار است: «ملائکه موجوداتی مجرد از ماده و عوارض آن هستند. قائلان به جسمانیت آنان، ناسازگاری تجرّد با حدوث عالم و فاعلیت الهی را بهانه کرده اند، حال آن که این دیدگاه با اصول اعتقادی تعارض دارد» (خمینی، ۱۳۷۸ش، ۳۳۸).

علامه طباطبایی در تفسیر آیه «فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا» (مریم: ۱۷)، تجسم فرشتگان را نه تغییر ذاتی، بلکه ظهور صوری در ادراک انسانی می داند: «تجسم جبرئیل برای مریم (س) به معنای تبدیل ذات فرشته به بشر نیست، بلکه ظهور وی در قالب محسوس برای ادراک بشری است. این امر در مواردی مانند تجسم فرشتگان برای ابراهیم (ع) و لوط (ع) نیز رخ داده است» (۱۳۹۰ق، ۱۰: ۴۸).

۱۰. نقد حدیث ضربه زدن موسی (ع) به فرشته مرگ

حدیثی که در آن حضرت موسی (ع) با سیلی زدن به فرشته مرگ، چشمان او را نابینا می کند، از چند جهت با مبانی فوق ناسازگار است:

۱- ناسازگاری با تجرّد فرشتگان: اگر فرشتگان موجوداتی مجرد باشند، تعامل فیزیکی (مانند ضربه زدن) با ایشان ناممکن است، چراکه فاقد جسم مادیاند.

۲- تناقض با جسمانیت لطیف: حتی با فرض جسمانیت نورانی، تفاوت ماهوی میان جسم لطیف و جسم مادی کثیف، برهمکنش فیزیکی را نامعقول می‌سازد.

۳- شبهه اسرائیلیات: این روایت با روایات اسرائیلی مشابیهی آشکار دارد که احتمال جعل یا تحریف را تقویت می‌کند.

بنابراین تناقض این حدیث با مفاهیم قرآنی (النحل: ۴۹-۵۰) و مبانی کلامی درباره ماهیت فرشتگان، همچنین عدم انطباق آن با جایگاه رفیع موسی (ع) به عنوان «کلیم الله»، نشانگر ضعف سندی و محتوایی آن است. این ناهمخوانی‌ها، همراه با فقدان پشتوانه قرآنی، احتمال جعل یا تحریف در فرآیند نقل را به عنوان راهکاری برای توجیه اسطوره‌های وارداتی تقویت می‌کند.

۱۱. نتیجه‌گیری

بر پایه یافته‌های پژوهش حاضر در تحلیل حدیث «درگیری حضرت موسی (ع) با فرشته مرگ»، نتایج زیر قابل استنتاج است:

۱- اختلافات متنی و نشانه‌های جعل:

- اختلافات چشمگیر در عبارت‌پردازی نسخه‌های مختلف این حدیث، از جمله تفاوت در افعال (أُرْسِلَ، جاءَ، أَتَى) و افزوده‌های متأخر مانند «مَلَكُ الْمَوْتِ يَأْتِي النَّاسَ عِيَانًا»، نشانگر دست‌کاری آگاهانه در فرآیند نقل است. این افزوده‌ها احتمالاً تحت تأثیر جریان‌های فکری مانند تجسیم‌گرایی در سده‌های دوم و سوم هجری شکل گرفته‌اند.

- استفاده از عبارات نامأنوس مانند «لَيَقْبِضَنَّ نَفْسَهُ» که در سایر متون حدیثی بی‌سابقه است، بر ساختگی بودن بخش‌هایی از روایت دلالت دارد.

۲- تناقض با آموزه‌های قرآنی و عقلی:

- محتوای حدیث با عصمت انبیاء - به ویژه موسی (ع) به عنوان «کلیم الله» - و تصویر قرآن از فرشتگان به عنوان موجوداتی مطیع (نحل/۴۹-۵۰) در تضاد است.

- تعامل فیزیکی موسی (ع) با فرشته مرگ، با ماهیت تجرّد فرشتگان (بر پایه دیدگاه امام خمینی و علامه طباطبایی) یا حتی جسمانیت لطیف آنان (طبق نظر علامه مجلسی) ناسازگار است.

۳- تاریخ‌گذاری و شبکه سندی:

- حلقه مشترک اصلی در اسناد این حدیث، ابوهریره (متوفی ۵۹ ه.ق) است که روایت را در نیمه دوم قرن اول هجری نقل کرده است.

- عبدالرزاق صنعانی (م. ۲۱۱ ه.ق) و معمر بن راشد (م. ۱۵۴ ه.ق) به عنوان حلقه‌های مشترک ظاهری، نقش کلیدی در گسترش این روایت داشته‌اند. با این حال، بر پایه نظریه هارالد موتسکی، عبدالرزاق به عنوان راوی جامع‌نگار، لزوماً جاعل حدیث نیست، بلکه احتمالاً روایات موجود در مصادر پیشین را گردآوری کرده است.

- نسخه‌های منسوب به حماد بن سلمه (از طریق عمار بن ابی‌عمار) نیز با افزوده‌های محتوایی همراهند که نشان از تحولات روایی در سده‌های متأخر دارد.

۴- دیدگاه خاورشناسان و نقد داخلی:

- بر پایه نظریات یوزف شاخت و نینل، جعل حدیث می‌تواند در دوره‌های پسین (به ویژه قرن دوم) رخ داده باشد، اما شواهد سندی نشان می‌دهد خاستگاه اصلی روایت به دوره ابوهریره بازمی‌گردد.

- از منظر داخلی، ناهم‌خوانی‌های محتوایی (مانند تضاد با عصمت پیامبران) و ضعف سندی (ارسال در بخشی از اسناد)، اعتبار این حدیث را به شدت زیر سؤال می‌برد.

۵- جمع‌بندی نهایی:

با توجه به شبکه اسناد پراختلاف، افزوده‌های متأثر از گفتمان‌های کلامی، و تناقض‌های محتوایی با قرآن و عقل، می‌توان ادعا کرد این حدیث در نیمه دوم قرن اول هجری و همزمان با حیات ابوهریره جعل شده و در گذر زمان با تحریف‌های بعدی همراه گردیده است. این روایت نه تنها فاقد پشتوانه قرآنی است، بلکه با مبانی کلامی اسلام درباره ماهیت فرشتگان و جایگاه انبیاء ناسازگار می‌باشد.

دست‌رسی به داده‌ها

داده‌های تولیدشده در این پژوهش در متن مقاله ارائه شده است.

تضاد منافع نویسندگان

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که هیچ‌گونه تضاد منفعی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

منابع

- قرآن کریم.
- آقای، سیدعلی، تاریخ‌گذاری حدیث، تهران، حکمت، ۱۳۹۴ ش.
- ابن ابی‌عاصم، احمد بن عمرو، کتاب السنه، بیروت، المکتب الاسلامی، چاپ سوم، ۱۴۱۳ق.
- ابن ابی‌حاتم رازی، محمد بن عبد الرحمن، الجرح و التعديل، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۹۵۲م.
- ابن حبان، محمد بن حبان، صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، تحقیق: شعيب الأرناؤوط، بیروت، مؤسسة الرسالة، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- ابن حجر عسقلانی، علی بن أحمد، تهذيب التهذيب، بیروت، دارالفکر، ۱۹۸۴م.
- ابن حنبل، أحمد، کتاب السنه، تحقیق: محمد بن سعید بن سالم قحطاني، لبنان، دارالکتب، ۱۴۰۶ق.
- ابن حنبل، أحمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، تحقیق: أحمد محمد شاكر، قاهره، دارالحديث، ۱۴۱۶ق.
- ابن خلکان، أبوالعباس، وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان، تحقیق: احسان عباس، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۴م.
- ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، بیروت، دار صادر، بی‌تا.
- ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدينة دمشق، تحقیق: علی شیري، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
- ابن قتیبہ، عبد الله بن مسلم، تأويل مختلف الحديث، تحقیق: اسماعيل اسعردی، بیروت، دارالکتب العلمیہ، بی‌تا.
- ابن منده، محمد بن اسحاق، التوحيد، تصحيح: موسى بن عبدالعزيز، رياض، الفضيله، ۱۴۳۱ق.
- ابن منده، محمد بن اسحاق، التوحيد ومعرفة أسماء الله، تحقیق: علی بن ناصر، سوریه، دارالعلوم والحکم، ۱۴۲۳ق.
- ابوری، محمود، شيخ المضيرة أبوهريرة قم، مؤسسة أنصاريان، ۱۴۳۱ق.
- ازدی، معمر بن راشد، الجامع، تحقیق: حبيب الرحمن الأعظمي، بیروت، المجلس العلمي، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، الصحيح، بیروت، المجلس الاعلى للشنون الاسلامیة، ۱۴۱۰ق.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، الصحيح، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبد الله، المستدرک على الصحيحین، تحقیق: مصطفى عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب، ۱۴۱۱ق.
- حسنی، هاشم معروف، الموضوعات في الآثار والأخبار، لبنان، دارالکتب، ۱۴۱۸ق.
- خمینی، روح الله، آداب الصلاة، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، چاپ هفتم، ۱۳۷۸ش.
- دارقطنی، علی بن عمر، المؤلف والمختلف، تحقیق: موفق بن عبد الله، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۴۰۶ق.
- ذهبی، محمد بن احمد، سير أعلام النبلاء، تحقیق: شعيب الأرناؤوط، بیروت، دارالکتب، چاپ سوم، ۱۴۰۵ق.
- ذهبی، محمد بن احمد، میزان الاعتدال في نقد الرجال، تحقیق: علی محمد بجای، بیروت، دارالمعرفة، ۱۹۶۲م.
- زركلي، خير الدين، الأعلام، بیروت، دار العلم للملايين، چاپ پنجم، ۱۹۸۰م.
- صنعانی، عبد الرزاق بن همام، المصنف، تحقیق: حبيب الرحمن الأعظمي، بیروت، المجلس العلمي، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- طبری، محمد بن جریر، تاريخ الأمم والملوك، بیروت، مؤسسة الاعلمي، ۱۸۷۹م.
- عتر، نورالدين، منهج النقد في علوم الحديث، دمشق، دارالفکر، چاپ دوم، ۱۴۱۸ق.
- عربی آيسك، علی، مهدي عبادي، و سيد محمد صادق موسوي. "واكاوي سندی و محتوایی گزاره حدیث انگاشته «أذكروا موتاكم بالخير»". مطالعات فهم حدیث ۱۰، ۲۰ (۱۴۰۳ش): ۲۴۷-۲۶۵. doi: 10.30479/mfh.2024.19267.2309
- مامقانی، عبد الله، تنقيح المقال في علم الرجال، بی‌جا، موسسه آل البيت (ع)، ۱۳۸۶ش.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بی‌جا، موسسه الوفا، ۱۴۰۳ق.

- محمدی، روح الله. "اکاوی معیارهای شناخت حدیث موضوع و راه‌های مقابله با آن از منظر امام رضا (ع)". مطالعات فهم حدیث ۱۰، ۲۰ (۱۴۰۳ش): ۲۶۷-۲۸۷. doi: 10.30479/mfh.2024.19168.2285
- مراغی، أحمد مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- مزی، یوسف بن عبدالرحمن، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، تحقیق: بشار عواد معروف، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۰ق.
- مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- معارف، مجید؛ سعید شفیعی، درآمدی بر مطالعات حدیثی در دوران معاصر، تهران، سمت، ۱۳۹۴ش.
- موتسکی، هارالد. "حدیث پژوهی در غرب: مقدمه‌ای در باب خاستگاه و تطور حدیث". مترجم: مرتضی کریمی نیا، علوم حدیث، ۳۷-۳۸ (۱۳۸۴ش): ۳-۳۱.
- موتسکی، هارالد، حدیث اسلامی، خاستگاه‌ها و سیر تطور، مصحح: مرتضی کریمی نیا، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۰ش.
- نجمی، محمد صادق، سیری در صحیحین، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۷ش.
- نسائی، أحمد بن علی، السنن الکبری، تحقیق: سید کسروی حسن، بیروت، دارالکتب، ۱۴۱۱ق.
- نفیسی، شادی، درایة الحدیث: بازپژوهی مصطلحات حدیثی، تهران، سمت، ۱۳۸۶ش.
- همام بن منبه صنعانی، صحیفه همام بن منبه، تحقیق: علی حسن علی عبدالحمید، بیروت، المكتب الإسلامي، ۱۴۰۷ق.